

# در میان نسل Z اروپا و آمریکا، اسرائیل منفورتر شده



فاطمه بریمانی ورنیدی خبرنگار گروه نقد روز

نفتالی بنت، نخست وزیر و وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی برای آنچه «تور رسانه‌های سیاسی» خوانده به آمریکا رفته است و هدفش از این سفر را «کمک به دولت اسرائیل» با تقویت موقعیت رژیم صهیونیستی «در افکار عمومی، در کنگره و در دولت» خوانده است. او در صفحه شخصی‌اش در شبکه اکس (توییتر سابق) نوشت که «افکار عمومی دنیا الان طرف ما نیست...» او ادعا کرد که در TikTok تعداد بازدید از محتوای طرفدار فلسطین/حماس ۱۵ برابر محتوای طرفدار اسرائیل است. البته انزجار از صهیونیست‌ها علاوه بر شبکه‌های اجتماعی، در کف خیابان‌های اروپا و آمریکا نیز جریان دارد. با وجود ممانعت‌های برخی دولت‌ها و هشدار نسبت به راهپیمایی و تظاهرات به نفع فلسطین، همچنان پایتخت‌های اروپایی و دانشگاه‌ها صحنه اعتراض نسبت به جنایات صهیونیست‌هاست. در این بین نباید از نقشی که یک جنبش مردمی ایفا کرده است، غافل بود. جنبش بایکوت (Boycott)، عدم سرمایه‌گذاری (Divestment) و تحریم اسرائیل (Sanctions) که به اختصار به آن BDS می‌گویند در سال ۲۰۰۵ در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی تشکیل شد. این جنبش با تأثیرگذاری بر افکار عمومی تا امروز توانسته فشار اقتصادی و فرهنگی بر اسرائیل را افزایش دهد؛ اسرائیل را در قبال اقدامات خود پاسخگو کند و خواستار پایان دادن به اشغالگری شود. این جنبش با الهام از مبارزه نرم با آپارتاید آفریقایی، در دانشگاه‌ها و میان افکار عمومی کشورهای متعدد بروز و ظهور پیدا کرده است. مبارزه نرمی که دو دهه قبل آغاز شد، اکنون اثر خود را در بسیاری از کشورها گذاشته است. با وجود اینکه در ابتدا اسرائیل این جنبش را چندان جدی نمی‌گرفت، پس از فشاری که این جنبش با بایکوت و تحریم اسرائیل به تل‌آویو وارد کرد، حساس شده و تلاش کرده تا تصویر خود را در نزد افکار عمومی ترمیم کند. آمارها نشان می‌دهد حمله رژیم صهیونیستی به غزه، فضا را برای تحرک بیشتر جنبش BDS مهیا و بار دیگر افکار عمومی را نسبت به جنایات اسرائیلی‌ها درگیر کرد. برای بررسی بیشتر درباره جنبش بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم اسرائیل با سیدحامد موسوی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

## ■ جوانان کشورهای اروپایی حمله فلسطینی‌ها را مشروع می‌دانند

برآیند نظرسنجی‌های افکار عمومی و تحلیل داده‌ها در شبکه‌های اجتماعی، حاکی از نوعی نفرت به‌ویژه در نسل جدید نسبت به رژیم صهیونیستی و جنایت این رژیم در غزه است. موسوی هم معتقد است که بر پایه نظرسنجی‌های کشورهای غربی (اروپا، آمریکا و کانادا) افکار عمومی نسبت به گذشته مخالفت بیشتری با اسرائیل داشته است؛ «این موضوع به‌ویژه در میان جوانان شدیدتر است. حدود ۱۰ روز پیش دانشگاه هاروارد، نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرد. طبق این نظرسنجی، افراد در سنین بین ۱۸ تا ۲۴ سال ۵۱ درصد و در بازه سنی ۲۴ تا ۳۵ سال ۴۸ درصد، عملیات طوفان الاقصی فلسطینی‌ها را مشروع می‌دانستند. این نسبت در افرادی که در سنین بالاتر بودند، متفاوت بود و یک اختلاف جدی را نشان می‌داد. بر همین اساس می‌گویم نگرش جوانان نسبت به اسرائیل تغییر کرده و منفی شده است.»

## ■ جنبش BDS عامل تنفر از رژیم صهیونیستی

سال ۲۰۰۵ جنبش بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم اسرائیل در غرب در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی تشکیل شد. این جنبش که با عنوان BDS شناخته شده است، با تأثیرگذاری بر افکار عمومی، توانست فشار اقتصادی و فرهنگی بر رژیم صهیونیستی را افزایش دهد؛ آن را در قبال اقدامات خود پاسخگو کند و خواستار پایان دادن به اشغالگری شود. این جنبش پیشانی بسیاری از تظاهرات علیه جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه است. موسوی در تأیید این گزاره می‌گوید: «چرخش منفی افکار عمومی علیه رژیم صهیونیستی در آمریکا هم به شدت به چشم می‌خورد. شاید در میان جمهوری خواهان کمتر شاهد این وضعیت باشیم اما در میان دموکرات‌ها به‌ویژه دموکرات‌های جوان این مساله بیشتر دیده می‌شود. با اینکه در ابتدا جنبش BDS چندان جدی گرفته نمی‌شد، اما حالا با تأثیری که بر افکار

عمومی جهان گذاشته است، حساسیت اسرائیل را نسبت به خود تشدید کرده است. درحال حاضر بسیاری از محیط‌های علمی و دانشگاهی از این جنبش طرفداری می‌کنند و توانسته‌اند بدنه روشنفکر جامعه را با خود همراه کنند. در این وضعیت، رژیم اسرائیل آن را جدی‌تر از قبل می‌داند.»

## ■ جنبشی با الهام از مبارزه علیه آپارتاید آفریقایی

BDS در کمتر از دو دهه تأثیر قابل‌توجهی بر افکار عمومی گذاشته است. از آفریقا تا اروپا و حتی ایالات متحده آمریکا که اصلی‌ترین حامی رژیم صهیونیستی است، علیه تل‌آویو نقش آفرین است. موسوی در تحلیل ماهیت و ویژگی‌های این جنبش این‌طور می‌گوید: «BDS با الهام از مبارزاتی که علیه آپارتاید آفریقایی جنوبی صورت گرفته بود، مبارزه خود را آغاز کرد. مسیری هم که طی کرد، مبارزه‌ای غیرخشونت‌آمیز بود. اولین ویژگی این جنبش اعتراضی و نرم بودن آن است. جنبش از هر گونه خشونت و اعمال نظامی دوری می‌کند. سیستم جنبش مانند گاندی است، یعنی به دنبال نوعی اعتراض و تظاهرات هستند که به دور از خشونت باشد. در عنوان جنبش هم به اهداف‌شان اشاره شده است. آنها در گام ابتدایی به دنبال بایکوت کردن اسرائیل هستند و در ادامه می‌خواهند سرمایه‌گذاری در آن کشور صورت نگیرد و در نهایت هم خواهان تحریم رژیم صهیونیستی از جانب سایر کشورها هستند. اتفاقاً به دلیل عدم استفاده از خشونت در میان مردم هم محبوبیت دارند. از طرفی پلیس و نیروی نظامی هم نمی‌تواند به مقابله با اعتراض آنها برخیزد. از دیگر ویژگی‌های مهمی که این جنبش دارد، غیردولتی بودن آن است. جنبش توسط هیچ حکومتی حمایت نمی‌شود؛ به همین جهت در هر کشور اعضای جنبش، بومی همان کشور هستند. BDS از جانب هیچ ارگان یا دولتی هم حمایت مالی نمی‌شود، بنابراین تمام هزینه‌های جنبش، برعهده افراد جنبش است. مردمی بودن موجب نفوذ بیشتر ایده آنها شده است. ویژگی جالب دیگر هم غیرمتمرکز بودن این جنبش است. علی‌رغم هدف مشترکی که دارند، آنها شبکه و رهبری متمرکز ندارند، یعنی در هر شعبه با مدیریت خودشان پیش می‌روند. مثلاً BDS در آلمان با کانادا و آمریکا تفاوت دارد. اینکه این جنبش در میان دانشگاهیان و قشر روشنفکر استقبال بیشتری داشته و مدیریت آن توسط آنها صورت می‌پذیرد. از دیگر دلایل نفوذ و گسترش آن در میان مردم است.»

## ■ رسانه‌های غربی هم به نقد اسرائیل پرداخته است

یکی از لوازم مبارزه و اعتراض به دور از خشونت، بهره‌دست از رسانه است. در عصری که رسانه به تریبون در دست قدرت حاکم تبدیل شده برای تأثیر و همراه کردن افکار عمومی، برهم زدن معادله قدرت- ثروت حاکم بر رسانه از الزامات است. موسوی درخصوص قدرت رسانه‌های جنبش BDS می‌گوید: «پایگاه رسانه‌ای این جنبش به هیچ عنوان به اندازه طرف مقابل نیست، یعنی صهیونیست‌ها در رسانه‌های غربی بسیار قدرتمند ظاهر شده‌اند و نفوذ گسترده‌ای هم دارند. به‌طور مثال رپورت مرداک سهامدار اصلی «نیوز کورپوریشن» (ایرشترک‌نوز) یک مسیحی صهیونیست است. او بعداً سهام فاکس نیوز یا حتی اسکای نیوز را هم خرید و از این طریق در اروپا نیز نفوذ پیدا کرد. با وجود اینکه بسیاری از رسانه‌ها در دست صهیونیست‌هاست، اما در دهه اخیر پیش از گذشته شاهد انتقاد از مواضع رژیم صهیونیستی در همین رسانه‌های غربی هستیم. البته هنوز مقالاتی در جهت منافع این رژیم منتشر می‌شود اما برخلاف گذشته تقد هم اهمیت دارد. در روزنامه‌ها و شبکه‌های معروف مانند گاردین انگلیس یا نیویورک تایمز آمریکا مقالاتی در انتقاد از مواضع و عملکرد رژیم صهیونیستی منتشر شده یا به‌طور مثال با اینکه CNN در جهت منافع اسرائیل هم خبر منتشر می‌کند، در نقد از جنگ حاضر، تصاویر زنان و کودکان مجروح و شهید شده را هم پوشش داد.»

## ■ اعمال نفوذ صهیونیست‌ها در رسانه به‌ضررشان تمام می‌شود

با وجود اینکه محتوای رسانه همواره با نهاد‌های قدرت گره خورده و در بسیاری از کشورها نهاد قدرت اسپانسرهای مالی رسانه است، اما نمی‌توان آنها را کاملاً مستقل و بی‌توجه نسبت به افکار عمومی دانست. موسوی با ذکر مصادیق متعدد از کنشی که افکار عمومی نسبت به تلاش اسرائیل برای حفظ نفوذش در رسانه‌ها نشان می‌دهد، می‌گوید: «با وجود انتشار انتقاد علیه رژیم صهیونیستی در رسانه‌های غربی، اگر اسرائیلی‌ها بخواهند در این زمینه اعمال نفوذ کنند، حساسیت بیشتری ایجاد می‌شود. مثلاً شبکه MSNBC آمریکا، مواضعی لبرال‌تری از CNN اتخاذ می‌کند. این شبکه در همان روزهای اول جنگ،

سه نفر از مجری و خبرنگارهای مسلمان‌ها را تعلیق کرد. این درحالی بود که هنوز هیچ‌یک از آنها اظهارنظری نکرده بودند اما شبکه گمان می‌کرد با توجه به اعتقادات‌شان اگر در برنامه مجری باشند، حتماً از اسرائیل انتقاد خواهند کرد.» تعلیق مهدی حسن یکی از مجری‌های معروف این شبکه با انزجار افکار عمومی همراه شد. شبکه هم به بهانه اینکه کنداکتور جا نداشت، این مساله را توجیه کرد و پس از مدتی با نگرانی از افکار عمومی، خبرنگاران اخراجی به سرکارشان برگردانده شدند. البته برنامه یوتیوب همین خبرنگار مهدی حسن را که ببینید، متوجه می‌شوید اتفاقاً به حماس هم نقد دارد اما پس از بررسی‌هایش در نهایت به نقد از مواضع اسرائیل می‌رسد و این به‌ضرر رژیم است، یعنی نتیجه نهایی این خبرنگار این‌طور بوده که اگر اسرائیل با حماس هم مشکل داشته باشد، این دلیل قانع‌کننده‌ای برای حمله به مردم مظلوم، زنان، کودکان و بمباران غزه نخواهد بود. او در الجزیره انگلیسی هم مقاله‌ای منتشر کرد و در آن اسامی همه خبرنگارانی را نوشت که در طول این سه هفته تعلیق یا اخراج شده بودند. البته در انتهای این لیست اعلام کرده برخی خبرنگاران همچنان درعین منتقد بودن نسبت به اسرائیل بر سر کار خود حاضر هستند. می‌خواهم بگویم فضای رسانه‌ها تغییر کرده است. البته حالا مدیا هم عوض شده است. همین الان هر کسی با گوشی‌ای که در دست دارد می‌تواند فیلمی را در دنیا پخش کند. با این حال رسانه‌ها هم محدودیت خاص خود را دارند. باید توجه داشت که نوک پیکان این مبارزه نرم رسانه‌ای، جنبش بی‌دی‌اس است.»

## ■ بی‌دی‌اس به دنبال چیست؟

این جنبش با هدف بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم رژیم صهیونیستی فعالیت خود را آغاز کرد. دامنه این جنبش حتی به تحریم دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی هم رسیده است. موسوی درخصوص چشم‌انداز مطلوبی که بی‌دی‌اسی‌ها متصورند، می‌گوید: «با توجه به الهام از مبارزه با آپارتاید در آفریقا جنوی، جنبش در فلسطین هم به دنبال احقاق حقوق قضیع شده فلسطینی‌هاست. آنها می‌گویند فلسطینی‌ها باید به حداقل حقوق شهروندی دست پیدا کنند و حق رای داشته باشند. اما برای حق رای که این جنبش از آن صحبت می‌کند، راهکار معینی وجود ندارد. یعنی راهکار ۲۰۰۲ ملی را پیشنهاد نمی‌دهد؛ چراکه اگر این کار را انجام دهد، در درون خود دچار شکاف خواهد شد. این جنبش به جای آنکه به دنبال راه‌حل سیاسی باشد، بیشتر به دنبال نقد و به چالش کشیدن رژیم صهیونیستی است. ارائه راه‌حل را هم به خود فلسطینی‌ها واگذار می‌کند.»

بی‌دی‌اس در جهت اهدافی که برای خود ترسیم کرده است، ابزارهایی برای فشار به این رژیم هم تدارک دیده است: «در جهت مبارزه، افراد جنبشی برای تحریم شرکت‌ها به راه می‌اندازند. مثلاً اگر می‌بینند که یک شرکت آمریکایی در پیشبرد اشغال رژیم صهیونیستی نقش دارد، تلاش می‌کند که آن شرکت را در فشار مالی بگذارد. همین الان هم در سایت اصلی بی‌دی‌اس، لیست شرکت‌ها، دائماً آپدیت شده و برای تحریم منتشر می‌شوند. مثلاً یکی از آن شرکت‌ها «اکتار پیلار» است. این شرکت تولیدوزرهایه‌ای که اسرائیل از آنها در جنگ علیه مردم غزه استفاده می‌کند را می‌سازد. تولیدوزرهای ضدگلوله‌ای که روی آن تیربار هم قرار دارد. از دیگر شرکت‌های تحریمی اچ‌پی است. این شرکت، دستگاه‌های مخابراتی ارتش اسرائیل را می‌سازد. بی‌دی‌اس سعی می‌کند این شرکت‌ها را تحریم کند. نکته جالب توجه این است که غرب با راه‌اندازی این جنبش به دنبال همه اهدافی است که ما در ایران بدون تبلیغات گسترده انجام می‌دهیم. مثلاً تحریم شرکت‌های حمایتگر رژیم صهیونیستی.»

## ■ چگونه حق رای مواضع اسرائیل را به خطر می‌اندازد

آنچه منتقدان رژیم اسرائیل به دنبال آن هستند، بیشتر معطوف به حداقل حقوق شهروندی و حق رای فلسطینیان است. آمارهای جمعیتی نشان می‌دهد درصورت احقاق این حق، جمعیت قابل توجه فلسطینیان، موقعیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد. در رابطه با این دیدگاه موسوی تحلیلی کمی- کیفی دارد: «شاید راه‌حلی که بی‌دی‌اسی‌ها به دنبال آن هستند، معطوف به حقوق شهروندی و حق رای است اما مساله اساسی این است که اسرائیلی‌ها و صهیونیست‌ها هیچ‌وقت به فلسطینی‌های کرانه باختری و غزه حق رای نخواهند داد، زیرا در پی احقاق این حق، جایگاه اسرائیل متزلزل خواهد شد. این مساله را می‌توانیم با آمارها هم اثبات کنیم. الان ما حدود دویلمیون و ۲۰۰ هزار نفر فلسطینی در غزه و قریب به سه میلیون فلسطینی در کرانه باختری داریم، یعنی روی هم حدود پنج میلیون و ۲۰۰ هزار فلسطینی ساکن این دو

منطقه هستند. دو میلیون فلسطینی دیگر هم هستند که پاسپورت اسرائیلی دارند، یعنی در شهرهای اسرائیل زندگی می‌کنند. در ایران اصطلاحاً به آنها فلسطینی‌های ۱۹۴۸ می‌گویند. جمعیت این سه گروه حدود هفت میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است. جمعیت یهودی‌های اسرائیل چقدر است؟ هفت میلیون و ۱۰۰ هزار نفر. اسرائیل حدود ۹ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که دویلمیون آن مسلمان هستند. یعنی همین الان اگر به افراد ساکن در کرانه باختری و غزه حق رای بدهند، تعداد مسلمان‌ها با یهودی‌ها برابر است یا حتی مسلمان‌ها بیشتر هستند. با توجه به نرخ رشد جمعیتی بالاترشان در ۲۰ سال آینده خیلی بیشتر از یهودیان خواهند بود. البته این آمارها بدون احتساب فلسطینی‌های اخراج شده از سرزمین‌شان است. با وجود اینکه در سازمان ملل مصوبه رسمی برای بازگشت رانده‌شدگان به خانه وجود دارد اما رژیم صهیونیستی بی‌توجه به قوانین بین‌الملل اجازه بازگشت فلسطینی‌ها به سرزمین‌شان را نمی‌دهد. آنها خودشان حدود هفت میلیون نفرند. حتی بدون آن هفت میلیون هم باز حق رای دادن به فلسطینی‌ها هشدار برای رژیم خواهد بود. من یک مقصود از این آمارها دارم. آنچه BDS برایش تلاش کرده و مطالبه می‌کند را دولت‌های صهیونیستی اسرائیل هیچ‌وقت برآورده نمی‌کنند. برای همین جنبش عمل‌تلاش می‌کند تا سیستم آپارتایدی صهیونیست را به کلی به چالش بکشد.»

## ■ رژیم صهیونیستی متوجه خطری بی‌دی‌اس شده است

دو دهه مبارزه اکنون نتیجه داده است. در میان نسل زد (به زبان عامیانه به عنوان زومرها نیز شناخته می‌شود)، حتی در کشورهای غربی و آمریکا نیز انزجار از رژیم صهیونیستی رشد قابل‌توجهی داشته است. این یک هشدار برای رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود: «برگشت افکار عمومی علیه اسرائیلی‌ها خیلی سنگین بوده است. آنها با لابی‌گری بسیار توانسته‌اند در برخی از ایالات‌های آمریکا، بی‌دی‌اس را ممنوع کرده و برای آن جرم‌انگاری کنند. مثلاً در دانشگاه‌ها اگر تظاهراتی شود، کسی نمی‌تواند افراد را دستگیر کند اما وقتی شرکتی را تحریم کنند یا آن را به‌منظور ضربه به رژیم صهیونیستی تحت فشار مالی قرار دهند، با او طبق قوانین ایالتی برخورد خواهند کرد. البته عموماً پلیس از نزدیک شدن، جریمه و دستگیر کردن معترضان خودداری می‌کند؛ چراکه دستگیری آنها جنجال بیشتری را در بر خواهد داشت و برد رسانه‌ای بیشتری دارد. این سیستم مانند گاندی در هند است؛ مثلاً اگر کسی حرفی بزند و پلیس ایالتی آن را دستگیر کند، جریمه کند یا دانشجو را از دانشگاه اخراج کند، بدتر حساسیت ایجاد می‌شود و برد رسانه‌ای بیشتر خواهد داشت. من خودم وقتی در این تظاهرات شرکت می‌کردم، می‌دیدم پلیس هیچ وقت به سمت ما نمی‌آمد. چون اگر یکی از دانشجویان دستگیر می‌شد، کلی جنجال به راه می‌افتاد که چقدر در مقابل اعتراض به یک کشور خارجی با دانشجویان برخورد سلبی می‌کنند. به همین دلیل هم متوقف کردن بی‌دی‌اس برای اسرائیلی‌ها خیلی چالش برانگیز است.»

## ■ قدرت نرم در برابر مبارزه نرم

با توجه به اینکه جنبش، مبارزه نرم را در پیش گرفته و بیشتر به دنبال بهره از ابزار نرم است، پس برای مقابله با آن هم لازم است تا از ابزارهای نرم استفاده شود. رسانه و ستاره‌های همواره به عنوان کانون توجه افکار عمومی و توان الگوسازی از اهمیت ویژه‌ای در میان سیاستمداران و تصمیم‌گیران یک حکومت برخوردار هستند. جنبش بی‌دی‌اس و فراگیری آن به سلب‌ریتی‌ها و اهالی رسانه هم رسیده و از این‌رو اسرائیلی‌ها تمام توان خود را برای ترمیم افکار عمومی به‌کار گرفته‌اند: «اسرائیلی‌ها خیلی نگران فضای رسانه‌ای که علیه آنها تولید محتوا می‌کند، شدند. پس به همین منظور پروژه‌ای را تحت عنوان «هاست بار» برای زمین زدن بی‌دی‌اس طراحی کردند. این عنوان به عبری یعنی «توضیح» اما پروژه پروپاگاندا صهیونیست‌هاست. یکی از کارهای بی‌دی‌اس، گفت‌وگو و نامه‌نگاری به‌منظور منصرف کردن هنرمندانی است که قصد دارند برای اجرای کنسرت یا بازی در فیلمی به اسرائیل سفر کنند. وقتی تعداد درخواست برای عدم سفر هنرمندان، سلب‌ریتی‌های هالیوودی و خوانندگان به رژیم صهیونیستی به‌طور فزاینده‌ای بالا رفت، صهیونیست‌ها پروژه هاست‌بارا را اجرا کردند. آنها جایزه‌ای به نام «جایزه اسرائیل» درست کردند. این جایزه همراه با یک میلیون دلار هدیه نقدی توسط شخص نخست‌وزیر نتانیاو برای حفظ روابط‌شان با سلب‌ریتی‌ها تدارک دیده شده است. حالا دیگر اسرائیلی‌ها هم در مقابل کنش فعالانه بی‌دی‌اس به واکنش تدافعی روی آورده‌اند.»

